

با سلام و عشق فراوان خدمت آقای شهبازی بزرگوار و عزیزان دلگشای گنج حضور



اگر از رفتار و گفتار دیگران حس و ارتعاش بدی بر شما غالب می‌شود، حتما همانیدگی‌های شدید و پنهانی در مرکزتان دارید، و این درون‌تان را تاریک، و پر از شک و گمان بد کرده است.

شما اگر خردمند و فضاگشا باشید، اگر کارهای دیگران ناراحت‌تان می‌کند، آرام باشید، و به هیاهوی ذهن توجه نکنید، چون این سکوت و تسلیم شما باعث گشایش در زندگی‌تان می‌شود، و درون‌تان را از خرابی‌های همانیدگی‌ها می‌شورد، و زندگی شما را درست می‌کند.

ولی اگر به هیاهوی ذهن بر اثر رفتار دیگران واکنش نشان دهید، هم رابطه‌تان خراب‌تر می‌شود، هم سلامتی شما، با تشویب و مقاومتی که دارید، به خطر می‌افتد. و قطعاً با ذهن مشوش و پر از فکر، درک درست خدا و حقیقت را از دست می‌دهید.

کار می‌کن تو، به گوش آن مباش
اندک اندک خاک چه را می‌تراش
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۲۰۴۶

کار کنید و با ذهن خاموش و بی‌مقاومت مولانا را بخوانید، به پارازیت‌های ذهن که مقاومت و واکنش را در شما تقویت می‌کند، اصلاً گوش ندهید. چون با تسلیم و بی‌توجهی نسبت به افکار من‌ذهنی، اجازه می‌دهید خداوند سفتی من‌ذهنی شما را نرم کند، و گرد و خاکی که باعث هیاهوی ذهن شده را، تمییز کند، تا شما بتوانید معنی واقعی زندگی و خاموشی را با فضای گشوده شده، بهتر درک کنید.



با قضا پنجه مزن ای تند و تیز
تا نگیرد هم قضا با تو ستیز
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۹۱۰

ما وقتی بر اثر دانش‌های ذهنی خودمان در برابر اتفاقات قضا مقاومت می‌کنیم، کار را برای خودمان بسیار سخت می‌کنیم، و از نور آگاهی و خرد حضور بی‌بهره می‌مانیم.

در حقیقت قضا ما را تنبیه می‌کند، یعنی اجازه می‌دهد آنقدر اسیر باورهای خرافی و دانش‌های کتابی و تدبیرات من‌ذهنی خود شویم، که چشمه حیات آب زندگانی ما کامل خشک شود، تا از هیچ شادی و آرامشی که معنای اصیل به زندگی ما می‌بخشد، نتوانیم بهره‌مند باشیم.

تا جایی اگر ادامه دهیم به مقاومت در برابر قضا، بخاطر تسلیم نشدن آنقدر درد و گرفتاری بر اثر مرکز همانیده، قضا برای ما ایجاد می‌کند، که درون‌مان تا حدی تاریک شود، که دیگر معنایی برای زندگی، و آمیدی برای بارور کردن دانه‌های عشق و خرد برای ایجاد سازندگی در زندگی ما نمی‌ماند.



صد جوال زر بیاری ای غنی
حق بگوید دل بیار ای منحنی
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم بیت ۸۸۱

-منحنی: خمیده
-جوال: بار جامه، کیسه ای برای حمل بار

مولانا میگه اگر صاحب فراوانی دارایی های جهانی و دانش های زیاد ذهنی هم باشید، و فکر کنید خداوند نیاز به این چیزها دارد، و تمام عمرت را ائتلاف انباشتگی کرده‌اید و تنها این‌ها برایت مهم بوده. حقیقت این هست که در اشتباه بودید. چون حق طالب مرکز خالی تو بوده و هست، و تمام امکانات جهانی باید در پی مقصود خالی کردن مرکزت می‌بود، و دلت به پختگی می‌رسید، تا می‌توانستی آن‌گونه حق می‌خواهد بشنوید و هستی را درک کنید، نه فقط با عقل و علم جهانی و دارایی‌هایت هستی را بنگرید! و نیستی و عدم را فراموش کنید.

♣♣♣ و در آخر:

گر مسبح باشد از ماهی، رهید
ور نه در وی هضم گشت و ناپدید
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۳۱۴۱
با تشکر
آقای هیوا قادری